

● نفوذ قدرتمند «مهدعلیا» در سفرنامه‌ها

البته در این میان زنی هست که در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی بخصوص آنانی که مانند «مری شیل» فرصت حضور در حرمسرا را داشته و از نزدیک با وی در ارتباط بودند نتوانسته‌اند از ویژگی‌های این زن چیزی ننویسند. زنی مقتدر و سیاستمدار و البته با سواد و اهل کتاب و شعر، زنی که چهل روز بر ایران بعد از مرگ همسر حکومت کرد تا تاج سلطنت را بر سر پسرش ناصرالدین میرزا بگذارد.

● زنی باسواد، شاعر، هنرمند و سیاستمدار

«مهدعلیا» زنی باسواد که به زبان فارسی و صرف و نحو عربی تسلط داشت. شعر نیز می‌سرود و حتی برخی از شاعران و ادیبان معاصرش وی را ستوده‌اند. فهرست کتابخانه خصوصی او گواه علاقه این زن به کتاب، بویژه کتاب‌های تاریخی و دینی است. مهدعلیا را در خوشنویسی، بویژه در خط شکسته و نستعلیق و چلیپانویسی، صاحب جایگاه شمرده‌اند. وی در هنرهای گلدوزی و نقاشی نیز مهارت داشته است.

● زنان ایرانی هوشمند و هوشیارند

البته ناگفته نماند «کلارا رایس» با آنکه نسبت به وضعیت آن روز زنان که هم دوره با آخرین روزهای سلطنت قاجار بوده است، خوشبین نبوده اما در بخشی از سفرنامه خود از زنان ایران به‌عنوان زنانی باهوش و هوشیار یاد کرده است. زنانی که می‌توانند با تلاش خود راه ناهموار را هموار کرده و برای خود آینده‌ای روشن بسازند: «...زنان ایرانی هوشمند و هوشیارند، کارمایه آنان در طی نسل‌ها ذخیره گشته است. صاحب نفوذند. تنها چیزی که لازم دارند این است که بیاموزند چگونه نیروهای خود را در راه تعالی جماعت زنان مورد استفاده قرار دهند...».

منابع:

۱. کلارا کولیور رایس، اسدالله آزاد، زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، تهران، نشر کتابدار، ۱۳۸۳
۲. میترا مهرآبادی، زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی، تهران، نشر روزگار، ۱۳۷۹
۳. بنفشه حجازی، تاریخ خانم‌ها (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار)، تهران، قصیده‌سرا، ۱۳۸۸
۴. مریم رضایی عاملی، سفر دانه به گل، سیرتحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۹
۵. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه (۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ق)، تهران، انتشارات امیرکبیر
۶. دوستعلی خان معیرالممالک، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱
۷. سایت دنیای زنان قاجار
۸. سایت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
۹. سایت قاجاریه یادداشت‌هایی از فاطمه قاضی‌ها <http://ghaziha.kateban.com>
۱۰. سایت تاریخ ایرانی <http://tarikhirani.ir>
۱۱. سایت پرتال جامع علوم انسانی <http://ensani.ir>

جالب است بدانیم از جمله این زنان که کم‌تر در تاریخ به آن توجه شده است و سواد خواندن و نوشتن داشته است، مادر پسر معروف به امیرکبیر ایران است. با مطالعه نامه‌ای از «فاطمه سلطان» که بعد از مرگ پسرش نوشته و بر جای مانده است، می‌توان با مطالعه به سطح سواد و آگاهی این بانو بزرگ پی برد: «...همه رفتند. باز هم من ماندم. گرفتارم. کسی به دادم نمی‌رسد. اکبریک که آمده آنجا زود روانه کنید بیاید. یک آدم خودتان بفرستید. دستورالعمل بفرستید مرا از تهران بیرون کنید. شب و روز به گریه‌زاری گرفتارم. زود زود هر کس آمدنی است، بفرستید...».



در روزگار افشاریه و زندیه نیز ما شاهد وجود زنانی باسواد، عالم و عابد و حتی هنرمند نقاش بوده‌ایم که از جمله آنها می‌توان به زنی به نام «آذر» اشاره کرد که به گفته بنفشه حجازی نویسنده کتاب «تاریخ هیچ‌کس» درباره این زن در تاریخ آمده است: «...وی در نقاشی منظره و چهره‌پردازی فراوان داشته. تنها اثر رقم این هنرمند قلمدان مصوری است که بر روی آن تصویر حضرت عیسی و زن و مردی به حال احترام در برابر ایشان ایستاده‌اند نقاشی شده و...».

● باسواد شدن در همان اندرونی‌ها

اگرچه نمی‌توان منکر این واقعیت شد که راه‌اندازی مدارس و مراکزی توسط اروپاییان در ایران نقش تأثیرگذاری در آگاهی زنان و گرایش آنان به آموختن سواد نوشتن و خواندن داشته است، اما زنان بسیاری داریم که به دور از تمام این آموزش‌ها حتی در همان محیط بسته اندرونی و حرمسرا سواد خواندن و نوشتن آموخته و هنرمندان قابل‌ی شده‌اند که آثار بعضی از آنان خوشبختانه به دست نسل امروز رسیده است.

● باسواد بودن زنان اطراف ناصرالدین شاه

شاید بهترین دوران که چنین زنانی را در خود داشته است و برای امروز آشنا است روزگار ناصرالدین شاه است. در واقع اکثر زنانی که در اطراف این مرد بوده‌اند حتی همسر و دخترانش سواد خواندن و نوشتن داشته و حتی آثاری از خود بر جای گذاشته‌اند. یکی از زنان همان «تاج‌السلطنه» دختر شاه ناصری است که به دختر شورش در تاریخ مشهور است. زنی که حتی در برابر ظلم‌های پدر و برادرش مظفرالدین شاه اعتراض‌هایی داشته و آنها را مکتوب کرده است.

● نامه‌ای به خط مادر امیرکبیر ایران

جالب است بدانیم از جمله این زنان که کم‌تر در تاریخ به آن توجه شده است و سواد خواندن و نوشتن داشته است، مادر پسر معروف به امیرکبیر ایران است. با مطالعه نامه‌ای از «فاطمه سلطان» که بعد از مرگ پسرش نوشته و بر جای مانده است، می‌توان با مطالعه به سطح سواد و آگاهی این بانوی بزرگ پی برد: «...همه رفتند. باز هم من ماندم. گرفتارم.

نام «هیزیش بروکش» در مقایسه زنان ایرانی با زنان عثمانی در روزگار ناصرالدین شاه نوشته است: «...زنان ایرانی توانایی خواندن و نوشتن و روخوانی از قرآن را داشتند و حتی زنانی بودند که با ادبیات کشور خود آشنا بودند و شعر هم می‌گفتند اما در میان زنان عثمانی چنین افرادی دیده نمی‌شد...» البته منظور از این زنان باسواد بیشتر مربوط به طبقه مرفه و درباری بوده‌اند، چرا که بواقع زنان طبقات پایین سواد خواندن و نوشتن نداشته‌اند.

● جمعیتی نه چندان قابل توجه و چشمگیر

به گفته «بنفشه حجازی» پژوهشگر تاریخ: «در این عصر زنان با توجه به وضعیت اقتصادی و پایگاه فرهنگی اجتماعی خانواده‌هایشان... در مسیر سوادآموزی قرار داشتند. ولی این مسأله با توجه به جمعیت زنان چندان قابل توجه و چشمگیر نبوده و در واقع همگانی نبوده است. در همین گروه نیز زنان که بیشتر صیغه مذهبی داشته و گاه تنها شامل خواندن بوده و نه نوشتن که توسط پدران، برادران، عموها و اعضای خانواده صورت می‌گرفته است...».

● تنها اثر باقی مانده از «آذر»

حتی در اواخر صفویه نیز با توجه به وجود نشانه‌ها و اسنادی می‌توان پی برد که امکان تحصیل برای زنان وجود داشته و در حال پیشرفت بوده که البته باز دایره آموختن آنان در حوزه علوم دینی و قرآن بوده است. در روزگار افشاریه و زندیه نیز ما شاهد وجود زنانی باسواد، عالم و عابد و حتی هنرمند نقاش بوده‌ایم که از جمله آنها می‌توان به زنی به نام «آذر» اشاره کرد که به گفته بنفشه حجازی نویسنده کتاب «تاریخ هیچ‌کس» درباره این زن در تاریخ آمده است: «...وی در نقاشی منظره و چهره‌پردازی مهارت فراوان داشته. تنها اثر رقم این هنرمند قلمدان مصوری است که روی آن تصویر حضرت عیسی و زن و مردی به حال احترام در برابر ایشان ایستاده‌اند نقاشی شده و...».

● آینده مدارس زیر نفوذ اندیشه‌های غربی

خوشبختانه در روزگار قاجار به دلایلی شاهد نمونه‌های زیادی از این زنان هستیم که در منابع و اسناد تاریخی از آن روایت شده است، در صورتی که توضیح داده شد در بیشتر آثار سیاحان و اروپاییان اشاره‌ای به وجود چنین زنانی نشده و بیشتر به صورت کلی درباره وضعیت زنان نوشته شده است و البته گاهی نیز همراه با اغماض گویی و بدبینی‌هایی است، تا جایی که حتی بخش امیدوار این گروه از اروپاییان هم معتقد بودند که مدارس ایرانی در سال‌های آینده زیر نفوذ اندیشه‌های غربی قرار خواهد گرفت.

● تحصیل در مدرسه غربی تدریس در مدرسه ایرانی

این نظر مربوط به خانم رایس است که موقعیت مدارس ایران بعد از روزگار احمد شاه قاجار را این‌طور پیش‌بینی می‌کند: «...کتاب‌های درسی در حال افزایش است و گرچه به نظر ما با مهارت تمام آماده نشده‌اند، معلمان و شاگردان بومی آنها را دلپسند می‌شمارند. بسیاری از معلمان مدارس دولتی دختران بزرگ‌تری هستند که خود در مدارس مبلغان مذهبی به تحصیل اشتغال دارند و بالطبع روح کلاس را به کلاس‌های دیگر منتقل می‌کنند. مدارس غربی راه را گشوده‌اند و آموزش و پرورش ایران در سال‌های آینده زیر نفوذ اندیشه‌ها و شیوه‌های غربی خواهد بود...».